

تأثیر شیوع بیماری کرونا بر وضعیت تعهدات و اجرای قراردادهای تجاری داخلی و بین‌المللی

احمد رضا توحیدی^۱، لیلا جعفری^۲

^۱ هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی

^۲ کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی

چکیده

گسترش ویروس کووید-۱۹ در سطح جهانی که در ۳۱ ژانویه ۲۰۲۰ از سوی سازمان بهداشت جهانی به‌عنوان «یک تهدید و نگرانی بین‌المللی» از آن یاد شد، تمام شئون و جنبه‌های زندگی معاصرین را متأثر نموده است. در این میان روابط حقوقی اعم از روابط بین دولت و شهروندان و روابط خصوصی و قراردادی بین شهروندان نیز از آثار نامطلوب شیوع بیماری مصون نمانده است. بنابراین هدف اصلی این پژوهش تبیین تأثیر شیوع بیماری کرونا بر وضعیت قراردادهای داخلی و بین‌المللی است. روش تحقیق این پژوهش به‌صورت توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری مطالب به‌صورت کتابخانه‌ای است. پس از شیوع ویروس کووید ۱۹ کرونا و گسترش آن در سطح جامعه و ناتوانی هریک از طرفین در رابطه‌ی حقوقی در ایفای تعهد در قراردادهای منعقدشده تعذر و تعسر در ایفای تعهدات قراردادی، در حال حاضر با شیوع کرونا بسیاری از کسب‌وکارها و سایر قراردادهای منعقد شده با مشکل حقوقی روبرو هستند. مقاله حاضر درصدد است با توجه به شرایط فعلی و وضعیت موجود برای بررسی این موضوع که، در صورت عدم ایفای تعهدات قراردادی توسط متعاملین با عنایت به مسئولیت قراردادی ماده ۲۱۹ قانون مدنی و قوانین وضع‌شده مطابق ماده ۲۲۷ و ۲۲۹ از قانون مدنی، ویروس کرونا قوه قاهره محسوب شده و قراردادهای منعقد شده یا منجر به انفساخ دائم عقد می‌شود و یا انفساخ موقت ایجاد می‌کند و یا در شرایطی فسخ یا اقاله و یا حق حبس ایجاد می‌کند.

واژه‌های کلیدی: کرونا، قراردادهای تجاری، بین‌المللی، ضمانت، مسئولیت

مقدمه

بروز حوادث طبیعی و غیر طبیعی مانند سیل، زلزله، تغییر عوامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌توانند مبنا و اساس قراردادهای را شدیداً تحت تأثیر قرار دهند. بیماری‌های نظیر ابولا، سارس و بالاخره کرونا کوید ۱۹ نیز می‌توانند انجام تعهدات قراردادی را برای یکی از طرفین قرارداد ناممکن (متعذر) با دشوار (متعسر) سازند. این درست است که همچنان اصل لزوم و پابندی به تعهدات، اصل مسلم و حاکم بر قراردادهای است اما تأثیر تغییر غیرقابل پیش‌بینی و غیر عادی شرایط زمان انعقاد عقد می‌تواند به‌عنوان امری استثنایی سبب رفع ید از این اصل شود. در نتیجه طرفین می‌توانند به دلیل تحقق فورس ماژور یا دشواری اجرای قرارداد، خود را از عواقب و پیامدهای کوتاهی در انجام تعهدات قراردادی مبرا ساخته و معاف کنند، قرارداد را فسخ، تعلیق، یا تعدیل نمایند. (پارساپور و ذاکری نیا، ۱۳۹۴).

قرارداد، به‌عنوان محصول توافق و تلاقی اراده دو یا چند طرف به منظور ایجاد اثری حقوقی در عالم انتزاع و بهره‌مندی از آن در عالم واقع و خارج، نقش مهم و عظیمی را در روابط معاملاتی و مبادلاتی اشخاص ایفا مینماید و این نقش از گذشته تا به حال بیشتر و پررنگ‌تر نیز گردیده است؛ تا جاییکه از ساده‌ترین روابط معاملاتی، مانند خریدهای عادی روزمره تا پیچیده‌ترین آنها در سطوح تجاری بین‌المللی در قالب قرارداد انجام می‌گیرد؛ با توجه به همین گستردگی و وسعت در کمیت و کیفیت قراردادهای منعقد در سطوح داخلی و بین‌المللی جوامع بشری، دانش حقوق نیز باید به فراخور اهمیت این نهاد حقوقی، موضع خود را در قبال آن مشخص نماید و در راستای رسالت میانی تنظیم روابط اشخاص جامعه و رسالت غایی احقاق حق و اجرای عدالت، مقررات (در معنای عام کلمه) لازم را برای شناسایی نهاد مزبور وضع و تدوین نماید. به فراخور اهمیت فوق‌العاده قراردادهای، تنظیم یا شناسایی دقیق یک قرارداد، اتخاذ عنوان دقیق برای آن، توجه لازم به طرفین قرارداد، تعهدات و شروط قراردادی و از همه مهمتر رعایت نمودن امور حکمی و مقررات حاکم بر یک قرارداد، از جمله مهمترین وظایفی است که باید توسط یک حقوقدان در مواجهه با قرارداد انجام گیرد. در غیر این صورت، نتیجه مدنظر وی و جامعه حقوقی در خصوص قرارداد حاصل نخواهد شد.

شیوع کرونا ویروس جدید به نام کووید ۱۹، نتایج عمده و ناگهانی بر همه شئون زندگی بشر و از جمله امور اقتصادی داشته است. این ویروس نخستین بار در چین مشاهده شد و سرانجام به طور رسمی در تاریخ نهم دی ماه ۱۳۹۸ توسط دولت چین وجود آن اعلام شد. این ویروس اکنون گستره‌ای جهانی یافته است و سازمان بهداشت جهانی در تاریخ سی ژانویه ۲۰۲۰ (دهم بهمن ۱۳۹۸) در مورد آن وضعیت اضطراری بهداشت عمومی اعلام کرده است. روشن است که اعلام جهانی در حقوق قراردادهای بین‌المللی نیز دارای آثار خواهد بود در پاسخ به این بیماری کشنده واگیردار همه گیر، دولت‌ها اقدامات مختلفی انجام دادند. برخی دولتها قرنطینه کامل کشور با بخش‌هایی از آن را انجام دادند. برخی کشورها به جای ممنوعیت مطلق به ایجاد محدودیت‌هایی در رفت و آمد و حضور کارمندان و کارکنان و تعطیلی برخی مشاغل یا صنوف یا محدود کردن ساعت کاری و ... پرداختند. بدیهی است که این تدابیر و تصمیمات بی‌گمان بر فعالیت‌های اقتصادی و از جمله قراردادهای اثر خواهد گذاشت.

مباحث قراردادی امروزه حاکم بر قراردادهای حاکم بر تحقیق و توسعه، سرمایه‌گذاری، معاملات تجاری و غیره ناظر بر ویروس کرونا قابل تامل و بررسی است که بایستی در طراحی‌های جدید قراردادی به مهارت‌ها و تکنیک‌های فنی قراردادی مورد توجه قرار گیرد. امروزه قراردادهای بسیاری در سطح بین‌المللی به دلایل متناسب به پاندمی ویروس کوید ۱۰ با چالش‌های مختلفی در اجرا مواجه شده‌اند. فرایند مناقصات و مذاکرات بسیاری از پروژه‌های مطروحه در کشورها معطل مانده و متوقف

شد. تعهدات بسیاری از قراردادهای داخلی و بین‌المللی بدلیل شرایط خاص کرونایی حاکم بر این قراردادها یا به حالت تعلیق درآمده و یا نقض شده است. بررسی موجبات نقض تعهدات یا معافیت از آن و رفع مسئولیت‌های قراردادی و غیرقراردادی خواه در قالب نهادهای حقوقی فورس ماژور، استحاله، فراستریشن و یا هاردشیپ از موضوعاتی است که قطعاً در دعاوی حقوقی بین‌المللی کرونایی بایستی مورد توجه قرار گیرد. بدون شک الزامات قراردادی و یا خارج از قراردادی (از قبیل مقررات و قوانین آمره کشورها) می‌تواند مسیر طرح دعاوی بین‌المللی حقوقی کرونایی را برای متداعیین تغییر دهد. در هر حال بررسی عنصر قراردادی در این نوع دعاوی از اهمیت بسزایی برخوردار است. (ساعت چی و نیازآبادی، ۱۳۹۳).

سیستمهای مختلف حقوقی، در حوادث غیر مترقبه، در روابط قراردادی و غیر قراردادی، برای حل معضلات مردم به شیوه‌های جدید (تعدیل قراردادی یا قضایی یا تعدیل داوری) یا انحلال و انفساخ قرارداد با رعایت اصول اقتصادی و توازن قانونی حقوق و تعهدات طرفین به نحوی که تعهد جدید با ریسک اولیه مورد قبول طرفین متوازن شده باشد، روی آورده‌اند. در این راستا، حقوق قراردادی یا روابط شبه قراردادی تعدیل شده خواهانها و خواندگان، باید موازنه داشته و با اصول هزینه-منفعت و کارایی اقتصادی هماهنگ باشد. قوانین جدید کشورهای جهان سوم برای حل این مشکلات در قانونگذاری گوی سبقت را از کشورهایی که برای رفع مشکلات به نظرات قدیمی گذشتگان خارجی دلخوش کرده اند، ربوده‌اند. حقوقدانان کشورهای نوع دوم، باید امید خود را از قوانین موضوعه تا تغییر اوضاع و احوال و شرایط، کاملاً قطع نمایند. آنها نباید مراجعین را برای قضاوت به دادگاهها ارجاع دهند وگرنه با اجبار دادگاهها به اجرای مرقانون، هر دو طرف دعوا را خسردانیا و الاخره خواهند یافت. (نیازآبادی و انصاری، ۱۳۹۹).

نوع حوادث غیرمنتظره مهم نیست. این مقاله پس از بررسی روشهای معمول در سیستمهای مختلف حقوقی، راهحلی کلی را ارائه میکند که در مورد هر اقدام برهمزننده روابط تجاری یا قرارداد که کلاً قابل پیشبینی عرفی نیستند، قابل اعمال است. از باب مسئولیت دربحث کووید-۱۹ نیز مهم است که چه شخصی باعث این اتفاقات مخرب قرارداد و توافکشکن شده، چه شخصی آن را گسترش داده و یا قادر به مقابله با آن بوده است، ولی در برخورد با آن تعدی یا تفریط نموده و اینکه ایدئولوژی نامطلوب یا مطلوب حاکم بر شناسایی این حقوق و یا تکالیف و تعهدات کدام است؟ بنابراین به توجه به مطالب مطرح شده محقق در این مقاله قصد دارد به سوال اصلی که شیوع بیماری کرونا بر وضعیت قراردادهای داخلی و بین‌المللی چه تاثیری دارند؟

مبانی نظری

پاندمی

پاندمی (همه گیری) به شیوع جهانی یک بیماری گفته می‌شود. همه گیری زمانی اتفاق می‌افتد که بیماری جدیدی برای آلوده کردن افراد پیدا می‌شود که به صورت پایدار بین آن ها پخش می‌شود و از آن جایی که ایمنی در مقابل آن وجود ندارد یا بسیار کم است، به صورت جهانی پخش خواهد شد. پس از عبور بیماری از مرزهای یک کشور، این بیماری پاندمیک نامیده می‌شود. (قاسم زاده، ۱۳۸۷).

فورس ماژور:

فورس ماژور یا قوه قهریه، اصطلاحی در حقوق فرانسه است که معنای عام و خاص دارد. فورس ماژور در معنای عام، هر حادثه غیر قابل اجتنابی است که مانع اجرای تعهد شخص متعهد شود. اما در معنی خاص، حادثه‌ای ناشی از نیروهای طبیعی است که غیر قابل اجتناب و در عین حال غیر قابل پیش بینی است. (قاسم زاده، ۱۳۸۷).

تعهدات قراردادی:

معمولاً، هر قراردادی که منعقد می‌شود طرفین قرارداد برای انجام موضوع قرارداد و در واقع رسیدن به هدف نهایی، وظایف و تکالیفی را عهده‌دار می‌شوند که در زبان حقوقی به وظایف و تکالیف مذکور تعهدات قراردادی گفته می‌شود. (عسگری و احتشامی، ۱۳۹۵).

بیماری کرونا:

خانواده بزرگی از ویروس‌ها و زیر مجموعه کرونا ویریده هستند که از ویروس سرماخوردگی معمولی تا عامل بیماری‌های شدیدتری همچون سارس، مرس و کووید ۱۹ را شامل می‌شود. کروناویروس‌ها در دهه ۱۹۶۰ کشف شدند و مطالعه بر روی آن‌ها به‌طور مداوم تا اواسط دهه ۱۹۸۰ ادامه داشت. این ویروس به‌طور طبیعی در پستانداران و پرندگان شیوع پیدا می‌کند، با این حال تاکنون هفت کروناویروس منتقل شده به انسان، کشف شده‌است. (نیاز آبادی و انصاری، ۱۳۹۹).

اجرای کامل تعهدات قراردادی

قرارداد یکی از مهم‌ترین اعمال حقوقی و گویای توافق طرفین در بنا نهادن پایه ای است که بر طبق آن حقوق و تعهداتی بر طرفین بار می‌شود. در قرارداد بیع نیز، به‌عنوان یکی از شایع‌ترین قراردادهای معاوضی، توافق متعاقدين در آن نقش اساسی دارد و انشای قرارداد بیع به هر وسیله ایی رضایت متعاقدين را بر قبول تعهدات در مقابل کسب حقوق اعلام می‌دارد. برای تبیین دقیق اجرای تعهد قرارداد به‌صورت کامل، ابتدا باید مفهوم اجرای تعهد، تعهد قراردادی و اجرای تعهد قراردادی مشخص گردد. در ادامه به تبیین این مفاهیم پرداخته و در پایان به شرح اجرای کامل تعهد قراردادی می‌پردازیم:

اجرای تعهد

کلمه « اجرا » در کتب حقوقی به طور خاص تعریف نشده است و به نظر می‌رسد عدم ارائه تعریف به دلیل روشن بودن این مفهوم در عرف می‌باشد. با این وجود برخی حقوق دانان اجرا را به مفهوم کاربرد قانون یا حکم دادگاه یا تصمیم یا دستور مرجع اداری یا کاربرد سند رسمی یا بکار بستن تعهدات بکار می‌برند. (جعفری لنگرودی ۱۳۷۵: ۶۵)

در کنار مفهوم اجرا، آنچه مطرح می‌گردد اجرای عهد است. اجرای تعهد به معنای به جا آوردن الزامی است که مدیون بر عهده دارد؛ خواه این اقدام ارادی باشد و از سوی مدیون صورت گیرد (وفای به عهد) و یا به قهر انجام پذیرد (کاتوزیان ۱۳۸۶: ۳۴۲).

بنابراین اجرای تعهد را می‌توان اعم از اجرای ارادی و اجرای قهری تعهد دانست.

در متن قانون مدنی ایران به جای استفاده از اجرای تعهد از ایفاء تعهد و وفای به عهد یاد شده است (ماده ۲۶۴ و ۲۶۹)؛ با این وجود در مورد این عبارات تعریفی ارائه نشده است. می توان گفت ایفاء تعهد عبارتست از اجرای تعهد. وفای به عهد نیز اعم است از اجرای تعهدات قراردادی. (احمدی ۱۳۷۳: ۲۹)

اجرای کامل قرارداد و ضرورت آن

شرط عمومی وفای به عهد، قطع نظر از موضوع و نوع آن، یگانگی اجرای تعهد و مفاد آن است. ملتزم باید آنچه را که بر عهده گرفته است انجام دهد؛ خواه موضوع آن انتقال یا تسلیم مال باشد یا انجام کار یا خودداری از انجام آن و خواه تعود به وسیله باشد یا نتیجه. از جمله آثار این شرط در ماده ۲۷۷ خلاصه می شود. این ماده مقرر داشته است: «متعهد نمی تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید...». بنابراین طلبکار می تواند اجرای قسمتی از موضوع تعیین را نپذیرد. هدف از انعقاد قرارداد، اجرای آن است و طرفهای قرارداد اصولاً به اجرای کامل و دقیق آن نظر دارند مؤید این مسئله اصل لزوم قرار داد است که قانون گذار در ماده ۲۱۹ ق.م به این اصل اشاره می کند. طبق این ماده «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم الاتباع است». لازم الاتباع بودن قرار داد نسبت به طرفین قرار داد در مورد تمام تعهدات ناشی از عقود است و این خود گویای لزوم اجرای کامل قرار داد است (احمدی، ۱۳۷۵: ۱۲۲).

عدم اجرای کامل قرارداد

قرار داد شامل عناصر و ارکانی است که عبارتند از طرفهای قرارداد، (موضوع قرارداد موضوع تعهد یا مورد تعهد اعم از عوض و معوض) و شروط ضمن عقد. موضوع تعهد در عقد معاوضی شامل عوضین است که عوضین علاوه بر مورد کلی معامله، شامل اجزاء و اوصاف مورد معامله نیز می گردد؛ به طور مثال ممکن است موضوع تعهد همچون اجرای آن تحقق نیابد؛ عدم تحقق عقد با نقض و تخلف نسبت به هر یک از این ارکان بر حسب نوع تعهد، نتایج خاصی در پی دارد و تناقض اجرای کامل قرار داد است (احمدی، ۱۳۷۵).

تعهدات غیر مصرح (ضمنی) با تعهدات عرفی و قانونی که تحت عنوان تعهدات خارج از قرارداد به آن می پردازیم. متفاوت است. منظور از تعهدات غیر مصرح تعهداتی است که طرفین بر آن توافق کرده اند، هر چند به صورت ضمنی مبنای طرفین در انعقاد قرارداد بوده است، اما تعهدات عرفی تعهداتی است که متعاملین ملزم به آن هستند، مگر آنکه بر خلاف آن توافق کرده باشند و توافق بر آن ضرورتی ندارد در صورتی که بر تعهدات غیر مصرح هرچند به نحو ضمنی توافق شده است. در ادامه به لزوم مطابقت قرارداد با اراده طرفین به صورت صریح و ضمنی می پردازیم:

۱- **تعهدات صریح:** از جمله مهمترین تعهدات صریح در قرارداد شروط ضمن عقد و همچنین مطابقت با نمونه و مدلی است که طرفین توافق بر آن کرده اند.

۲- **شروط ضمن عقد:** شرط به معنای عهد و التزام است و شرط ضمن عقد به تعهدی گفته می شود که در ضمن عقد و تعهد مستقل دیگری قرار گرفته و در اثر این امر جنبه تبعی به خود می گیرد. طرفین قرارداد با درج شروط در ضمن عقد خود، به آنچه در کنار تعهد اصلی بدان نظر داشته اند تصریح می کنند. این شروط می تواند از جمله شروطی باشد که می تواند در عقدی جداگانه درج شود و خود قرار دادی مستقل باشد؛ مانند فروش مبیع با ابزار آلات مورد نیاز جهت استفاده از آن و یا می

تواند شرط در مورد ویژگی های تعهد اصلی قرار داده باشد، مانند آنکه طرفین هنگام انعقاد قرار داد فروش محصول کشاورزی شرط کنند مدت زمان زیادی از برداشت محصول نگذشته باشد. قاسم زاده، (۱۳۸۷).

شرط ضمن عقد گاه اوصاف یکی از ارکان عقد است که در قانون مدنی با عنوان شرط آمده است مانند اوصاف مورد معامله از قبیل شرط صفت یا شرط اجل شرط در این مفهوم در واقع به کمال و روشنی و شیوه اجرای تعهد کمک می کند و یا به منظور تکمیل و تغییر تعهد اصلی ناشی از قرار داد بر عهده گرفته می شود و خود التزامی جداگانه نیست. رعایت هر یک از این شروط در اجرای کامل قرار داد مؤثر است.

۳- نمونه و مدل: مطابقت کالا با نمونه و مدل از جمله مواردی است که لزوم رعایت آن صریحا در قرارداد مطرح می شود. نمونه و مدل از جهاتی به هم شبیه و از جهاتی با یکدیگر متفاوت می باشند. نمونه، قسمتی از کالای اصلی مورد معامله و در واقع جزئی از آن است. مانند اینکه از یک محموله ۱۰ تنی برنج که دقیقا کالای موضوع قرارداد است، یک کیلو به عنوان نمونه به خریدار ارائه می شود تا کالایی که تسلیم می شود. دقیقا منطبق با باقی کالا باشد، اما مدل هنگامی ارائه می شود که فروشنده مایل به توضیح کامل مشخصات کالا است و کالا در هنگام معامله در دسترس نیست تا به عنوان نمونه ارائه گردد (دلبر، ۱۳۶۹: ۷۴).

در هر دو صورت آنچه در این قرار دادها اهمیت دارد، کاربرد لفظ مدل با نمونه و شرط نمودن مطابقت کالا با هر یک از آنهاست و گرنه از نظر حقوقی هر دو آنها تأثیر یکسانی دارند. قانون مدنی نیز به فروش کالا از روی نمونه اشاره کرده است و در ماده ۳۵۴ مقرر می دارد: « ممکن است بیع از روی نمونه بعمل آید در این صورت باید تمام مبیع مطابق نمونه تسلیم شود » (شهیدی، ۱۳۸۸).

در کنوانسیون هم در بند (ج) (۲) ماده ۳۵ تصریح شده است: کالا باید دارای اوصافی باشد که فروشنده به عنوان نمونه یا مدل به خریدار ارائه نموده است. بنابراین کالا از لحاظ کیفیت باید مطابق با نمونه باشد در صورتی که کالا بخشی از کالا با نمونه منطبق و بخشی دیگر غیر منطبق باشد، عدم اجرای کامل قرار داد را در پی خواهد داشت

۴- تصریحات ضمنی: به طور کلی امکان استناد به شروط صریح در قرارداد با توجه به امکان نقض شروط ضمنی به دلیل امکان تفاسیر متفاوت، نسبت به شروط ضمنی برای خریدار و فروشنده آسانتر است. با این وجود تضمینات ضمنی از دیگر توققات و همچنین مذاکرات طرفین قابل برداشت است.

شروط ضمنی بنابر خواست و اراده طرفین می تواند متعدد باشد. از جمله این تعهدات می تواند تناسب داشتن مورد معامله برای موضوع خاص و یا دارا بودن کیفیت بازرگانی کالا باشد. لزوم تناسب بسته بندی با حمل نیز از موضوعاتی است که طرفین به طور ضمنی بر آن توافق می کنند.

۵- تناسب مورد معامله برای استفاده خاص مورد نظر: در حقوق ایران طرفین می توانند هر شرطی را در قرارداد بیاورند، مانند درج وصف خاصی را در خصوص مبیع، مشروط به آنکه این وصف در قلمرو تراضی مشترک وارد شود، در غیر این صورت نمی توان به صرف بیان وصف خاص، فروشنده را متعهد به آن دانست. مگر اینکه از اوضاع و احوال و یا عرف حاکی، رضایت ضمنی فروشنده استنباط شود (ماده ۲۲۰)

در هر صورت در کالا باید با منظوری که خریدار عرفا از خرید داشته است، تناسب داشته باشد. این موضوع در حقوق ایران به طور صریح نیامده است؛ با این وجود امکان اعمال برخی خیارات برای خریدار از جمله خیار تدلیس (ماده ۴۳۸) و خیار عیب (ماده ۴۲۲) در قانون مدنی حاکی از آن است که کالا باید متناسب با منظور مشتری از خرید کالا باشند. اگر تدلیس تنها

نسبت به ویژگی خاصی از مبیع باشد نیز قرار داد با توافق طرفین از انعقاد آن مطابق نخواهد بود. در این صورت اگر بخشی از قرارداد با مقصود خریدار مطابق باشد نقص اجرای قرار داد رخ می دهد (محقق داماد و دیگران، ۱۳۸۹).

در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در بند (ب) (۲) ماده ۳۵ صریحا مقرر می دارد که کالا باید با منظور خریدار متناسب باشد. کنوانسیون در این مورد قیدی دارد به این عبارت: « مگر اینکه اوضاع و احوال حاکی از این باشد که معقول نبوده که خریدار بر مهارت و تشخیص وی اعتماد کند». بنابراین صرف آگاهی فروشنده از هدف خاص مشتری با جمع شرایط، کافی است تا وی را متعهد کند و لزومی ندارد که هدف خاص در قلمرو قرارداد گنجانده شود.

۶- لزوم تناسب بسته بندی با حمل: شیوه بسته بندی کالا از جمله مواردی است که در بسیاری مواقع طرفین بدان تصریح نمی کنند و با توجه به نوع کالا و عرف موجود، کالا باید به صورت معمول بسته بندی شود. در حقوق ایران این موضوع مشمول ماده ۲۲۷ ق م قرار می گیرد و رعایت آن توسط متعاملین ضروری است.

در کنوانسیون لزوم بسته بندی مناسب در بند (د) (۲) ماده ۳۵ تصریح شده است و به بیان لزوم رعایت عرف اکتفا نشده است. این ماده مقرر می دارد که کالا و باید بنحوی ظرف بندی یا بسته بندی شده باشد که برای چنان کالائی معمول است یا در صورتی که چنین ترتیبی موجود نباشد آن را بنحوی انجام دهد که برای بقاء و حفاظت کالا کافی باشد. بنابراین طبق این ماده لازم است کالا مطابق عرف تجارت بین الملل طبق ماده ۸ و ۹ و در صورت عدم عرف کالا باید بر طبق عرف محل تجارت فروشنده بسته بندی شود.

به اعتقاد یکی از حقوق دانان در نظام های حقوقی داخلی، عیب و نقص در بسته بندی سبب مسئولیت فروشنده بر مبنای عدم مطابقت کالا نیست و تنها UCC (قانون یکنواخت حقوق تجارت ایالات متحده آمریکا در ماده (ه) (۲) ۳۱۴-۲ بسته بندی را جزئی از قابلیت تجاری کالا و شرط ضمنی قرار داد تلقی کرده است. این نویسنده دلیل گفته خود احتمال طی نمودن مسافت طولانی کالا برای رسیدن به دست خریدار اعلام می نماید.

با این وجود به نظر می رسد امکان دارد در حقوق داخلی مسافت به میزانی باشد که احتمال داشته باشد بسته بندی دقیق کالا در هر مورد متناسب با آن رعایت شود و از طرفی، بسته بندی متناسب با کالا عرفی است که ماده ۲۲۷ به آن تصریح کرده است. قواعد و مقررات مربوط به بسته بندی با ظرف گذاری، راجع به مجموع کالاست ولی در مورد اجزاء و بخشهای کالا هم قابل اعمال است. گاهی بسته بندی با ظرف جداگانه کالا، جزئی از کیفیت کالا را تشکیل می دهد به ویژه در مورد کالاهای لوکس و بنابراین اجرای ناقص و جزئی قرارداد مناسب رخ می دهد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱).

اجرای معیوب قرارداد و اجرای ناقص

اجرای معیوب قرار داد یکی از مصادیق اجرای ناقص قرارداد محسوب می شود و با توجه به این که عرف نیز اجرای معیوب قرارداد را از مصادیق اجرای ناقص قرار داد می داند. اجرای معیوب قرار داد مصداقی خاص آن، از نظر عدم اجرای کامل قرار داد و نقض قرار داد، دارای ویژگی هایی همانند اجرای ناقص قرارداد است و از آنجا که این عدم اجرا در وصف و کیفیت مبیع است. از بارزترین انواع اجرای ناقص قرارداد می باشد که قانون گذار با تبیین خیار عیب صریحا به آن پرداخته است و همان طور که قبلا به آن تصریح کردیم بین این دو مفهوم رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد، با این توضیح که کاستی در مبیع به جهت ماهیت مبیع نیز به نوعی نقص در اجرا محسوب شده و منجر به عدم اجرای کامل قرار داد می گردد و متعهد را ملزم به جبران این نقص می کند. (میرزائزاد جویباری، ۱۳۸۲).

ضرورت جبران خسارت

اصل لزوم جبران خسارت در صورت عهد شکنی در ماده ۲۲۱ قانون مدنی تصریح شده است. طبق این ماده: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف، مسئول خسارت طرف مقابل است، مشروط بر این که جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد، عرفاً به منزله ی تصریح باشد و یا بر حسب قانون، موجب ضمان باشد.»

در صورت اجرای بخشی از قرارداد نیز ممکن است به متعهدله خسارت وارد شود و وی را مستحق دریافت ضرر و زیان نماید، زیرا به جهت عدم تکمیل و اجرای قسمت دیگر و با اجرای ناقص و غیر منطبق قرارداد نیز متعهدله به حق خود که اجرای کامل قرار داد بوده نرسیده است. امکان مطالبه جبران خسارت، در هر گونه تخلف از انجام تعهد محقق می‌شود و از این نظر بین شیوه های ناقص و جزئی قرار داد تفاوتی وجود ندارد.

امکان اجرای حق حبس در اجرای جزئی و ناقص قرارداد

جنبه ضمانت اجرایی حق حبس در صورت عدم اجرای تعهد از سوی یکی از طرفین قرارداد زمانی مطرح است که در صورت اجرای جزئی و ناقص، طرف مقابل بتواند از اجرای قرارداد خود امتناع کرده تا از این طریق امکان الزام به اجرای کامل تعهد و پیشگیری از نقض قرارداد از سویی و از سوی دیگر اطمینان از عدم ورود خسارت به متعهدله فراهم شود. اکثر نویسندگان حقوقی در صورت اجرای جزئی و ناقص قرارداد حق حبس را همچنان باقی دانسته و در اصل حق تردید نکرده و دلایلی نیز ارائه داده اند. بعضی مؤلفان وجود حق حبس برای هر یک از دو طلبکار را تا اجرای کامل تعهد از جانب دیگری مطابق قواعد عدالت دانسته اند (انور ۱۹۸۳: ۱۸۰) عده ایی نیز تحت شرایطی این حق را باقی دانسته و معتقدند در صورتی که نقص قابل اغماض باشد حق حبس باقی خواهد بود. عده ایی نیز به استصحاب حق استناد کرده اند (تفرشی ۱۳۸۷: ۱۰۵)

تأثیر کرونا ویروس (کووید ۱۹) بر تعهدات (بررسی تطبیقی)

در مورد بیماری های همه گیر چنانچه طرفین آن را در قرارداد به صراحت از مصادیق فورس ماژور ذکر کرده باشند، فورس ماژور محقق می‌شود. اما در غیر این صورت این بحث مطرح می‌شود که آیا از مصادیق فورس ماژور هستند یا خیر؟ دادگاه های فرانسه در مورد بیماری های طاعون، ابولا، "تب کنگو، آنفولانزای خوکی و چیکونگونیا، این موارد را از مصادیق فورس ماژور ندانسته اند. در حقیقت به اعتقاد آنها صرف وجود یک بیماری همه گیر موجب تحقق فورس ماژور نمی‌شود. در مورد بیماری تب کنگو که به وسیله کنه منتقل می‌شود و موجب تب حاد و خونریزی می‌شود، دادگاه تجدید نظر نانس^۱ در مورد تقاضای مسافری که بلیط خود را لغو کرده و شرکت هواپیمایی خسارت لغو از وی دریافت کرده و جهت استرداد خسارت کسر شده درخواست داده چنین اعلام داشته است که شرط غیرقابل پیش بینی بودن در این مورد وجود ندارد؛ زیرا به طور مرتب این امر اتفاق می‌افتد و نیز امکان اقدامات محافظت فردی در برابر گزش ناقل بیماری وجود دارد؛ بنابراین شرط غیر قابل اجتناب بودن نیز وجود ندارد. در مورد بیماری طاعون نیز شخصی که بلیط مسافری خود را به جهت نزدیکی ایستگاه مسافری به منطقه طاعون زده لغو کرده بود، دادگاه پاریس اعلام داشت که ویژگی های فورس ماژور را وجود ندارد. یکی از استدلال هایی که

^۱ www.leclubdesjuristes.com

دادگاه آورده مبنی بر این است که شیوع این بیماری جدی نبوده و شخص با آنتی بیوتیک می توانسته مانع عفونت بیماری شود. به علاوه یک پزشک نیز همراه مسافران بوده است. (محقق داماد و ذاکری نیا، ۱۳۹۸: ۳۲).

اما شرایط در مورد کروناویروس جدید متفاوت است. این بیماری کشنده است، داروی آن تاکنون در دسترس نیست، همه چیز در مورد آن در حاله ای از ابهام است، سرعت انتقال آن بسیار بالاست. دوره پنهان ویروس بالاست. در مورد برخی گروه های سنی و احتمالاً خونی و برخی افرادی که دارای بیماری زمینه ای هستند کشنده تر است و از همین رو موجب شده است که دولت ها تدابیر شدیدی به اجرا بگذارند که در بسیاری موارد موجب تعطیل شدن کارخانه ها، اداره ها، سازمان ها، شرکت های هوایی و حمل نقل، سینماها، تئاترها و... شده است.

از این رو اگر نفس کروناویروس موجب تحقق فورس مازور نباشد این شرایط ایجاد شده توسط دولت ها می تواند از مصادیق آن باشد. در حقیقت در مصادیق ذکر شده در بالا هرچند در مواردی مانند آنفولانزا موجب اعلام وضعیت اضطراری بهداشت عمومی توسط سازمان بهداشت جهانی شد اما این موارد نسبت به کروناویروس اغلب کشندگی کمتری داشته با داروی آنها در دسترس بوده با شیوع آنها گسترده نبوده است و از همین رو، در بسیاری کشورهای جهان منجر به وضع محدودیت نیز نشد. به نظر می رسد که دادگاه های فرانسه بر پایه این انگاره چنین رأی داده اند.

بحران کرونا و تغییر بنیادین اوضاع و احوال (قاعده ربوس)

در صورتی که تغییر شرایطی که مبنای اساسی رضایت طرفین به معاهده است، منجر به تغییر اساسی تعهدات قابل اجرا در معاهده شود، می توان به خاتمه، کناره گیری با تعلیق معاهده استناد کرد. (فلسفی، ۱۳۹۵: ۴۵).

ماده ۶۲ کنوانسیون وین شرایط تغییر بنیادین اوضاع و احوال با همان قاعده ربوس را مطرح کرده است. با توجه به اهمیت اصل ثبات معاهدات در امنیت روابط بین الملل باید شیوهای ایمن برای حل و فصل اختلافات مرتبط با خاتمه یا تعلیق معاهده بر اثر تغییر بنیادین اوضاع و احوال اتخاذ نمود، علت اصلی استناد به قاعده ربوس نیز از بین رفتن تعادل معاهداتی است، لذا چالش اصلی در عبارت پردازسی ماده ۶۲ ایجاد تعادل مناسب میان اصل ثبات معاهدات و نظم عمومی بین المللی در پرتو اصل لزوم وفای به عهد بوده است.^۲ باید توجه داشت که عدم امکان اجرای معاهدات در ماده ۶۱ ممکن است به دلیل تغییر بنیادین اوضاع و احوال زمان انعقاد معاهده باشد. براین اساس، ماده ۶۱ نسبت به ماده ۶۲ قاعده ای خاص است.

بحران کرونا و قابلیت استناد به مسئولیت دولت در چارچوب ماده ۶۱ کنوانسیون وین و ماده ۲۳ طرح مسئولیت

بین المللی دولت

از عبارت مندرج در بند ۱ ماده ۶۱ کنوانسیون وین و بند ۱ ماده ۲۳ طرح مسئولیت بین المللی دولت ها مفاهیم مشابهی برداشت می شود. لذا عدم امکان اجرای معاهده بر مبنای ماده ۶۱ کنوانسیون وین قابل تطبیق با فورس مازور در ماده ۲۳ طرح مسئولیت بین المللی دولتها مصوب ۲۰۱ است.^۳ از نظر گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین الملل، این دو ماده ارتباط مستقیمی با یکدیگر دارند.^۴ هر چند کنوانسیون وین صراحتاً ترتیباتی در خصوص فورس مازور پیش بینی نکرده است، از نظر گزارشگر

² Dorr, Oliver, Schmalenbach, Kirsten, op.cit. P.1064. and also Watts, Arthur, the international law commission 1949-1998, volume two: the treaties part II, Oxford University Press, 1999.

³ Art 23 ILC Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, UNGA Res 56/83, 12 December 2001, UN Doc A/RES/56/83, Annex.

⁴ Crawford, J, "addendum to the second report on State responsibility", DOCUMENT A/CN.4/498 and Add.1-4, 30 APRIL 1999.

ویژه، تعیین آثار حقوقی عدم امکان اجرای معاهدات مطابق با شرایط فورس ماژور مطلوب است. بنابراین در صورت عدم امکان اجرای معاهده به دلایل فورس ماژور، طرف معاهده از مسئولیت عدم اجرای معاهده معاف خواهد شد.^۵ در صورت استمرار این وضعیت نیز امکان خاتمه یا تعلیق معاهده وجود خواهد داشت. البته باید توجه داشت که هر چند عدم امکان اجرای معاهدات و فورس ماژور با غیر قابل پیش بینی، غیر قابل کنترل و خارج از اراده بودن در ارتباط است، اما این دو ماده جایگزین هم نمی شوند. بنابراین هر جا دولت به استناد ماده ۶۱ کنوانسیون وین نتواند تعهدات معاهداتی خود را خاتمه دهد یا تعلیق کند، می تواند به استناد ماده ۲۳ از مسئولیت نقض تعهد معاف شود.

مسئولیت مدنی ناشی از کرونا

مسئولیت برای پرداخت خسارت ناشی از ضمان قهری بیش از هر چیز در زندگی اقتصادی افراد و اشخاص حقوقی و شرکت ها اثر می گذارد.^۶ عواقب مسئولیت مدنی به مراتب بیش از نقض قراردادهاست. (داراب پور، ۱۳۹۶: ۷۸). مسئولیت های مدنی داخلی و بین المللی اصولاً موضوعات قابل اغماضی در تجارت بین الملل نیستند. بر اساس اصل کلی ضمان قهری ناشی از ضررهای کرونا بر عهده کسی است که آن را ایجاد کرده یا درصد گسترش آن برای مقاصد مختلف است یا به عمد با وجود توانایی رفع یا دفع با آن مقابله نمی نماید.

وضعیت قراردادهای داخلی و خارجی ایران بعد از حدوث کرونا

با توجه به تحلیلی که کشورهای مختلف جهان نسبت به حدوث وقایع غیرمترقبه و اثر آن در قراردادهای در پیش گرفته اند، در ایران نیز باید در فکر بهترین راه حل ها بود. قدام و نظرات آنها مورد احترام اند، باید از فکر آنها برای حل مسائل مستحدثه استفاده کرد. صرف قدمت باعث رد نظریه ای نیست. محدود کردن قوه قضائیه و قانون موضوعه کشور به پیدا کردن راه حل در نظریات گذشتگان، چندان مطلوب نیست و توهین به شعور آنهاست. پیش از هر چیز، طرفین قراردادهای در هنگام حدوث وقایعی مثل کرونا، باید نکاتی مانند شناسایی قواعد کلیدی قراردادهای از جمله تضامین، حقوق مربوط به فسخ، شروط قراردادی، قیود فورس ماژور یا تغییر اوضاع و احوال، شناسایی الزامات مربوط به اعلان، بررسی روش های جایگزین برای اجرای تعهدات قراردادی با انجام اقداماتی که راهگشا برای پیامدهای بالقوه نقض یا عدم انجام تعهد است، بذل توجه خاص داشته باشند. از مدیریت اعلان ها، آگاهی و پیگیری منظم مقررات و محدودیتهای وضع شده از سوی دولتهای محل اجرای قرارداد و تصمیمات و اقدامات تأثیرگذار بر تکالیف قراردادی و جمع آوری به موقع ادله و مستند کردن معاذیر قانونی و عوامل و موانع خارج از اراده، دلایل غیرقابل پیش بینی بودن و مدارک مثبت رابطه سببیت، نباید غافل بود. (داراب پور، ۱۳۹۶: ۶۷).

⁵ Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries, Yearbook of the International Law Commission, 2001, vol. II, Part Two, United Nations, 2008, art 23.

⁶ Grady, Mark F. (February 19, 2013), "Causation and Foreseeability, Research Handbook on the Economic Analysis of Torts", Jennifer H. Arlen, ed., Edward

پیشینه تحقیق

- بهنام (۱۳۹۵). در مقاله ای تحت عنوان شرط فورس ماژور در قراردادهای تجاری بین‌المللی با تاکید بر قراردادهای نفتی این گونه بیان می‌کنند: با وجود اینکه اینک اصل لزوم قراردادی یکی از اصول بنیادین قراردادی می‌باشد با این حال برخی از مواقع شرایطی به وقوع می‌پیوندد که اجرای قرارداد را سخت و حتی غیر ممکن می‌سازد که از آن تحت عنوان معاذیر قراردادی نام می‌برند، و یکی از معروف ترین معاذیر قراردادی فورس ماژور می‌باشد که می‌بایستی دارای شرایطی از قبیل: ۱- حادثه خارجی باشد. ۲- حادثه غیرقابل پیش بینی باشد. ۳- حادثه اجتناب ناپذیر باشد و در صورتی عوامل مذکور در حادثه به وقوع پیوسته جمع شده باشد یکی از عوامل رافعه مسیولیت براین طرفین قراردادی می‌باشد. قراردادهای نفتی هم از قضیه مستثنی نمی‌باشد به طور مثال در قراردادهای جدید نفتی (آی پی سی) پیش نموده اند که در طی دوره فورس ماژور هیچ یک از طرفین در قبال هرگونه زیان یا خسارت ناشی از عدم النفع، در مقابل طرف دیگر مسیولیتی نخواهد داشت.
- خوانی و همکاران (۱۳۹۸). در مقاله ای تحت عنوان فورس ماژور در قراردادها و حقوق بین الملل این گونه بیان میکنند: فورس ماژور به‌عنوان یک تاسیس حقوقی پذیرفته شده در سطح بین‌المللی، نقش بسیار مهمی در رفع مسیولیت قراردادی ایفا می‌کند. این نهاد حقوقی در حال حاضر در اکثر قراردادها توسط یک ماده و آن هم با ذکر مصادیق آن قید می‌گردد. حتی در صورت عدم ذکر نیز به‌عنوان قانونی نانوشته در قراردادها حاکمیت دارد. این نهاد حقوقی صدها سال قبل از اینکه توسط حقوقدانان دیگر کشورها مطرح گردد، در فقه اسلامی بعنوانی یک قاعده مهم تحت عنوان تعذر وفا به مدلول عقد بیان گردیده که در موارد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی کشورمان مورد استناد و استفاده قرار گرفته است. از آنجا که پذیرش سقوط تعهد و معافیت متعهد از اجرای تعهد و پرداخت خسارت به طور دایم و یا موقت، منوط به پذیرش وقوع لاقول یکی از مصادیق فورس ماژور می‌باشد. لذا شناسایی مصادیق و محدوده آن امری بسیار مهم در قبول و یا رد آن است. باتوجه به اینکه یکی از ارکان اصلی فورس ماژور غیر قابل پیش بینی بودن آن است. در نتیجه محدود دانستن مصادیق به موارد ذکر شده در قراردادها قابل پذیرش نیست و با توجه به پیشرفت تکنولوژی و استفاده از اینترنت و امکان بررسی اخبار و پیش بینی بعضی موارد همچون وقوع جنگ و تحریم و یا سیل می‌تون بعضی از موارد مذکور را از شمول این قاعده خارج نمود.
- قنواتی و فتحی (۱۳۹۹). در مقاله ای با عنوان مطالعه تطبیقی تأثیر کرونا ویروس (کووید ۱۹) بر تعهدات این گونه بیان میکنند: در خصوص شیوع بیماری کشنده و همه گیر کوید ۱۹ پرسش های حقوقی متعددی مطرح گردید که نیازمند پاسخگویی نظامهای حقوقی به این پرسش هاست. از جمله، این پاندمی سبب گردید دولتها اقدامات مختلفی انجام داده تا سلامتی مردم خود را بهتر تضمین کنند. این امر از جمله سبب تغییرات شدید اقتصادی گردید و روابط قراردادی بین مردم را بشدت متأثر ساخت. نظامهای حقوقی همگی به منظور پاسخگویی به نیازهای حقوقی پیش آمده به ارائه طریق پرداخته و در راستای حفظ مصالح و اجتناب از مفاسد، بر قراری عدالت و ایجاد نظم، مقرراتی را وضع یا از مقررات موجود در حل مشکلات جدید بهره برده اند. در این مقاله تلاش شده است تا دیدگاه نظام های حقوقی مختلف در مواجهه با تغییرات شدید اقتصادی ناشی از بیماری کوید ۱۹ از جهت رفع ید از اصل لزوم و پایبندی به قراردادها، توجه به معاذیر و تأثیر آنها بر قرارداد و تبیین اثر دشواری اجرای قرارداد، بررسی و تحلیل شود و در نهایت ضمانت اجرای انحلال، تعلیق و تعدیل مبتنی بر مبانی پذیرفته شده در نظامهای حقوقی به‌عنوان ضمانت اجرای مورد بررسی قرار گیرد. شریعت اسلامی نیز به‌عنوان یک نظام حقوقی مبتنی بر مبانی، اصول، قواعد و احکام، بویژه در بخش معاملات به منظور تأمین مصالح مردم و اجتناب از مفاسد، متضمن مقرراتی است که بیان کننده ضمانت اجرای مناسب و موثر (انحلال، تعلیق و تعدیل) در زمینه مورد بحث است.
- داراب پور و داراب پور (۱۳۹۹). در مقاله ای با عنوان ضمان ناشی از ویروس کرونا و تأثیر حدوث آن بر قراردادهای تجاری داخلی و بین‌المللی این گونه بیان می‌کنند: حدوث وقایع بزرگ غیرقابل پیش‌بینی موجب خلل در اجرای قراردادها

می‌گردد. حتی نقض ناخواسته قراردادها می‌تواند حقوق و تعهدات طرفین و دیگر مردم، بویژه تجار، را دستخوش تغییر قرار دهد. تعداد زیادی از شرکت‌ها ورشکسته می‌شوند و روابط حقوقی غرما با آنان را باید مدیریت کرد. از همه مهم‌تر این است که چگونه می‌توان قرارداد را در قالب حمایت‌های گسترده قرار داد تا اصحاب دعوی به جای انحلال راه ابقا و اجرای قرارداد را در پیش گیرند؟ نحوه برسمیت شناسی مسئولیت به سیستم و مکتب حقوقی دارد که موضوع مسئولیت در آن مطرح است. جهان بینی کشورها و مکاتب تا اندازه زیادی در پذیرش حقوقی مسئولیت‌ها موثر است. پیدا کردن و احراز «سبب یا سبب‌های مسؤول» مثل مواردی که قطع و یقین وجود ندارد که اسباب متعدد در عرض بطور مساوی باعث ورود ضرر شده یا موردی که سبب نزدیک و بی واسطه یا اصلی یا سبب تامه معلوم و مشخص نیست، یا سبب مقدم در تأثیر، محرز و مسلم نمی‌باشد، امر چندان آسانی نیست. حتی اگر گزینش بین این همه تئوری مسئولیت صورت پذیرد و یکی انتخاب شود بحث نحوه جبران خسارات کلان از معضلاتی خواهد بود که به آسانی حل نمی‌شود. این تحقیق، با مطالعه روش‌های مختلف تعیین مسئولیت در سیستم‌های حقوقی بزرگ دنیا به عمل آمده و در صدد ارائه راه حل‌هایی است که در زمان وقوع حوادثی، مثل کووید ۱۹، می‌تواند آرامش را به جامعه تجاری و قراردادی برگرداند و طرفین را به امنیت روانی قابل پیش‌بینی متعارف در مدیریت حقوقی انحلال یا ابقا و اجرای قراردادها برساند.

• سید مرتضی حسینی (۱۳۹۹). در مقاله ای تحت عنوان بحران کرونا و عدم امکان اجرای معاهدات بین‌المللی از سوی دولت‌ها این گونه بیان می‌کنند: دبیرکل سازمان بهداشت جهانی در ۱۱ مارچ ۲۰۲۰ بحران ناشی از ویروس کرونا را یک وضعیت همه گیر جهانی (پاندمی) معرفی کرد که مطابق با مقررات بین‌المللی سلامت مصوب ۲۰۰۵ سازمان بهداشت جهانی، یک وضعیت اضطراری و غیر عادی محسوب می‌شود. بسیاری از دولت‌ها نیز از این بحران به‌عنوان وضعیتی غیر معمول، جدی و غیر منتظره یاد می‌کنند و اقداماتی فوری در خصوص کاهش شیوع ویروس و مقابله با آن انجام داده اند. این اقدامات و تبعات انسانی و اقتصادی بحران کرونا منجر به عدم امکان اجرای برخی از تعهدات معاهداتی از سوی دولت‌ها شده است. نقض این تعهدات بی تردید مسئولیت بین‌المللی دولت را به همراه خواهد داشت، مگر اینکه بتوان برای آن مبنای توجیهی در چارچوب حقوق معاهدات و حقوق مسئولیت بین‌المللی پیدا کرد. در این رابطه مواد ۶۱ و ۶۲ کنوانسیون حقوق معاهدات مصوب ۱۹۶۹، در خصوص عدم امکان اجرای معاهده و تغییر بنیادین اوضاع و احوال می‌تواند تحت شرایط خاص مندرج در این مواد، دولت را از مسئولیت عدم ایفای تعهد معاف کرده و به‌عنوان مبنایی برای خاتمه، کناره گیری و یا تعلیق معاهده مورد استناد قرار گیرد. قابلیت استناد به فورس ماژور در پرتو ماده ۲۳ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱ نیز برای معافیت از تعهد ثانویه جبران خسارات ناشی از نقض تعهدات معاهداتی قابل بررسی می‌باشد. بر این اساس نوشتار حاضر در صدد ارزیابی ارتباط میان حقوق معاهدات و حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت در خصوص عدم ایفای تعهد ناشی از بحران کروناست.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای استفاده خواهد شد. گردآوری اطلاعات از طریق مراجعه به کتاب‌های معتبر و دست اول و مقالات می‌باشد ابزار گردآوری اطلاعات در این روش با استفاده از فیش برداری می‌باشد. و پس از گردآوری اطلاعات به تجزیه و تحلیل آن پرداخته می‌شود. در پژوهش حاضر جهت نگارش تئوری و ادبیات پژوهش علاوه بر کتب از مقالات و پایان نامه‌های داخلی نیز استفاده شده است. همچنین جهت غنی سازی ادبیات پژوهش و افزایش اعتبار آن از مجلات و سایت‌های اینترنتی بهره گرفته شده است.

تحلیل وضعیت ناشی از شیوع بیماری کرونا به عنوان «مانع» اجرای تعهدات قراردادی

شیوع یک بیماری مانند بسیاری دیگر از حوادث طبیعی و انسانی می تواند بسیاری از ابعاد و حوزه های مختلف را در سطح جهانی تحت تأثیر قرار دهد؛ عرصه های مختلف اقتصادی، فرهنگی، ورزشی و ... گاه چنان از این اتفاقات و حوادث تأثیر می پذیرند که بازگشت امور آنها به روال عادی سالیان متمادی زمان می برد. شیوع ویروس کووید ۱۹ (بیماری کرونا) از اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی در کشور چین و سپس در بسیاری از نقاط دنیا چنین وضعیتی را در سطح ملی و جهانی پدید آورد و روابط افراد بشر را در سطوح و حوزه های مختلف به چالش کشید؛ به گونه ای که متخصصین هر حوزه برای عادی نمودن اوضاع و احوال سعی و کوشش مقتضی نمودند. و در این میان، حقوق دانان با موضوعیت قرار دادن این بیماری، به منظور گام نهادن در مسیر هدف تنظیم روابط اشخاص در جامعه دست به کار شده و سعی نموده اند حوزه هایی را که نیازمند دخالت ایشان برای حل و فصل روابط مختلف حقوقی است، با عنایت به تخصص خود سامان و حتی الامکان اختلافات احتمالی آتی را کاهش دهند. (نیازآبادی و انصاری، ۱۳۹۹: ۴۵۹).

تأثیر کرونا ویروس (کووید ۱۹) بر تعهدات (بررسی تطبیقی)

در مورد بیماری های همه گیر چنانچه طرفین آن را در قرارداد به صراحت از مصادیق فورس ماژور ذکر کرده باشند، فورس ماژور محقق می شود. اما در غیر این صورت این بحث مطرح می شود که آیا از مصادیق فورس ماژور هستند یا خیر؟ دادگاه های فرانسه در مورد بیماری های طاعون، ابولا، "تب کنگو، آنفولانزای خوکی و چیکونگونیا، این موارد را از مصادیق فورس ماژور ندانسته اند. در حقیقت به اعتقاد آنها صرف وجود یک بیماری همه گیر موجب تحقق فورس ماژور نمی شود. در مورد بیماری تب کنگو که به وسیله کنه منتقل می شود و موجب تب حاد و خونریزی می شود، دادگاه تجدید نظر نانس^۷ در مورد تقاضای مسافری که بلیط خود را لغو کرده و شرکت هواپیمایی خسارت لغو از وی دریافت کرده و جهت استرداد خسارت کسر شده دادخواست داده چنین اعلام داشته است که شرط غیرقابل پیش بینی بودن در این مورد وجود ندارد؛ زیرا به طور مرتب این امر اتفاق می افتد و نیز امکان اقدامات محافظت فردی در برابر گزش ناقل بیماری وجود دارد؛ بنابراین شرط غیر قابل اجتناب بودن نیز وجود ندارد. در مورد بیماری طاعون نیز شخصی که بلیط مسافری خود را به جهت نزدیکی ایستگاه مسافری به منطقه طاعون زده لغو کرده بود، دادگاه پاریس اعلام داشت که ویژگی های فورس ماژور را وجود ندارد. یکی از استدلال هایی که دادگاه آورده مبنی بر این است که شیوع این بیماری جدی نبوده و شخص با آنتی بیوتیک می توانسته مانع عفونت بیماری شود. به علاوه یک پزشک نیز همراه مسافران بوده است. (محقق داماد و ذاکری نیا، ۱۳۹۸: ۳۲).

اما شرایط در مورد کروناویروس جدید متفاوت است. این بیماری کشنده است، داروی آن تاکنون در دسترس نیست، همه چیز در مورد آن در حاله ای از ابهام است، سرعت انتقال آن بسیار بالاست. دوره پنهان ویروس بالاست. در مورد برخی گروه های سنی و احتمالاً خونی و برخی افرادی که دارای بیماری زمینه ای هستند کشنده تر است و از همین رو موجب شده است که دولت ها تدابیر شدیدی به اجرا بگذارند که در بسیاری موارد موجب تعطیل شدن کارخانه ها، اداره ها، سازمان ها، شرکت های هوایی و حمل نقل، سینماها، تئاترها و... شده است.

از این رو اگر نفس کروناویروس موجب تحقق فورس ماژور نباشد این شرایط ایجاد شده توسط دولت ها می تواند از مصادیق آن باشد. در حقیقت در مصادیق ذکر شده در بالا هرچند در مواردی مانند آنفولانزا موجب اعلام وضعیت اضطراری بهداشت

⁷ www.leclubdesjuristes.com

عمومی توسط سازمان بهداشت جهانی شد اما این موارد نسبت به کروناویروس اغلب کشندگی کمتری داشته با داروی آنها در دسترس بوده با شیوع آنها گسترده نبوده است و از همین رو، در بسیاری کشورهای جهان منجر به وضع محدودیت نیز نشد. به نظر می رسد که دادگاه های فرانسه بر پایه این انگاره چنین رأی داده اند.

در مورد تطبیق شرایط فورس ماژور بر کروناویروس می توان گفت تا زمانی که شیوع آن در یک منطقه اعلام نشده است بررسی شرایط فورس ماژور در مورد آن امکان پذیر نیست، اما چنانچه وجود آن در یک منطقه اعلام گردید می توان شرایط فورس ماژور را در مورد آن اعلام کرد. در مورد شرط خارج از اراده شخص بودن بحثی وجود ندارد، اما در مورد غیر قابل پیش بینی بودن، این پرسش مطرح می شود که چه زمانی را باید ملاک عمل قرار داد. تاریخ نهم دی ماه که دولت چین به طور رسمی شیوع آن را اعلام کرد با تاریخ دهم بهمن که سازمان بهداشت جهانی آن را به عنوان شرایط اضطراری بین المللی اعلام کرد؛ یا تاریخی که دولت با مقامات محلی وقوع آن را در یک کشور با منطقه اعلام می کنند؟ به نظر می رسد که در مورد قراردادهای بین المللی و قراردادهای ملی یا منطقه ای باید تفاوت قائل شد و حسب مورد یکی از این زمان ها می تواند ملاک عمل باشد. در عین حال باید توجه داشت که با همه گیر شدن کرونا در شهرهای یک کشور با یک منطقه از جهان باید پیش بینی معقول در مورد شیوع آن در آن منطقه نیز لحاظ شود. (قنواتی و فتحی، ۱۳۹۹: ۶۵).

تأثیر بحران کرونا بر تعهدات اولیه ناشی از معاهدات

بر مبنای ماده ۶۱ کنوانسیون وین، هر یک از طرفین معاهده می تواند به عدم امکان اجرای معاهده به عنوان مبنایی برای خاتمه یا کناره گیری از آن استناد کند، مشروط بر آنکه عدم امکان اجرای معاهده ناشی از محو دائمی موضوعی باشد که برای اجرای معاهده ضروری است، چنانچه عدم امکان اجرای معاهده موقتی باشد، فقط می توان برای تعلیق اجرای معاهده بدان استناد کرد. دیوان بین المللی دادگستری در قضیه گابچیکو- ناگیماروس، این ماده را انعکاس حقوق بین الملل عرفی دانست.^۸ در این ماده محدوده زمانی خاصی برای معاهداتی که تحت تأثیر قرار می گیرند، تعیین نشده است. اما با توجه به تفسیر کمیسیون حقوق بین الملل، استناد به عدم امکان اجرا در مورد معاهداتی ممکن است که در زمان وقوع حادثه لازم الاجرا شده باشند.^۹ بنابراین در خصوص بحران کرونا، عدم امکان اجرا باید به دلیل حادث شدن این رویداد بعد از انعقاد و لازم الاجرا شدن معاهده باشد. پرسشی که در اینجا مطرح می شود، این است که آیا دولت های طرف یک معاهده می توانند به عدم امکان اجرای معاهده به دلیل ناشی از وقوع بحران کرونا به عنوان مبنایی برای خاتمه، کناره گیری یا تعلیق از معاهده استناد کنند؟ بر مبنای ماده ۶۱ کنوانسیون وین، عدم امکان اجرای معاهده دارای دو اثر است: یکی خاتمه و کناره گیری از معاهده و دیگری تعلیق معاهده به منظور بررسی تأثیر بحران کرونا بر عدم امکان اجرای معاهدات، در ذیل تلاش خواهد شد تا هر یک از موارد خاتمه و تعلیق معاهدات در پرتو مؤلفه های آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

بحران کرونا و تغییر بنیادین اوضاع و احوال (قاعده ربوس)

در صورتی که تغییر شرایطی که مبنای اساسی رضایت طرفین به معاهده است، منجر به تغییر اساسی تعهدات قابل اجرا در معاهده شود، می توان به خاتمه، کناره گیری یا تعلیق معاهده استناد کرد. (فلسفی، ۱۳۹۵: ۴۵).

^۸ ICJ, Gabcikovo-Nagymaros Project, Hungary v Slovakia, (Judgment), 1997, ICJ Rep 3, para. 99.

^۹ International law commission, Final Draft, 1982, Commentary to Art 58, 256 para 1.

ماده ۶۲ کنوانسیون وین شرایط تغییر بنیادین اوضاع و احوال با همان قاعدهٔ ربوس را مطرح کرده است. با توجه به اهمیت اصل ثبات معاهدات در امنیت روابط بین الملل باید شیوه‌های ایمن برای حل و فصل اختلافات مرتبط با خاتمه یا تعلیق معاهده بر اثر تغییر بنیادین اوضاع و احوال اتخاذ نمود، علت اصلی استناد به قاعدهٔ ربوس نیز از بین رفتن تعادل معاهداتی است، لذا چالش اصلی در عبارت پردازی ماده ۶۲ ایجاد تعادل مناسب میان اصل ثبات معاهدات و نظم عمومی بین‌المللی در پرتو اصل لزوم وفای به عهد بوده است.^{۱۰} باید توجه داشت که عدم امکان اجرای معاهدات در ماده ۶۱ ممکن است به دلیل تغییر بنیادین اوضاع و احوال زمان انعقاد معاهده باشد. بر این اساس، مادهٔ ۶۱ نسبت به ماده ۶۲ قاعده ای خاص است.

از نظر حقوقی، عدم امکان اجرای معاهدات و تغییر بنیادین اوضاع و احوال زمینه‌های متمایزی را برای خاتمه، کناره‌گیری یا تعلیق معاهدات ایجاد می‌کنند. بر این اساس، کمیسیون حقوق بین‌الملل تصمیم گرفت تا به این دو موضوع در دو ماده جداگانه بپردازد. در مواردی که شرایط مندرج در ماده ۶۱ محقق نشود، می‌توان به ماده ۶۲ برای خاتمه یا تعلیق معاهده استناد کرد، ممکن است این دو ماده در برخی موارد هم پوشانی داشته باشند. بنابراین فقط در موارد خاص که امکان تحقق شرایط مندرج در مادهٔ ۶۱ برای عدم امکان اجرای تعهد از سوی یک دولت نباشد، می‌توان به ماده ۶۲ استناد کرد پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که آیا بحران کرونا می‌تواند منجر به تغییر بنیادین اوضاع و احوال زمان انعقاد معاهدات شود؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آثار آن بر معاهدات چیست؟

برای پاسخ به پرسش فوق ابتدا باید مؤلفه‌های تغییر بنیادین اوضاع و احوال را بررسی کرد و سپس به این موضوع پرداخت که آیا بحران کرونا منطبق با شرایط این ماده است یا خیر؟ بر طبق ماده ۶۲ تغییر اوضاع و احوال باید اساسی باشد؛ بدین معنا که باید در تعهدات اصلی تغییر ایجاد کند و وقوع حادثه باید بعد از زمان انعقاد عقد باشد. در واقع تغییر حادث شده نسبت به اوضاع و احوال زمان انعقاد معاهده باید مسلم و ذاتی باشد؛ به نحوی که اساس و مبنای عینی معاهده را از بین ببرد. یعنی این تغییر، اعم از عملی یا حقوقی، باید به نحو عینی بر روی معاهده اثر کند؛ به گونه‌ای که هدف عینی معاهده قابل تحقق نباشد و دلیل وجودی معاهده را مختل کند (حکمت، ۱۳۹۴: ۷۶). این تغییر باید نسبت به اوضاع و احوال زمان انعقاد معاهده صورت پذیرد؛ یعنی اگر آن اوضاع و احوال نبود، معاهده منعقد نمی‌شد. در خصوص بحران کرونا باید توجه داشت که با کشف واکسن با درمان کرونا این وضعیت از بین خواهد رفت. هر چند نمی‌توان زمان مشخصی برای حصول چنین نتیجه‌ای تعیین کرد، لیکن بی‌تردید با کاهش شدت اثرگذاری بیماری و توقف یا تحدید تدابیر و اقدامات حمایتی خاص دولت‌ها، شرایط به حالت مناسب تری باز خواهد گشت. بنابراین می‌توان بحران کرونا را از حیث اقدامات حمایتی خاص دولت‌ها، فارغ از آثار اقتصادی و اجتماعی آن، امری موقت دانست نه دائمی. از نظر گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل، بنیادی و اساسی بودن تغییر با موقتی بودن شرایط مغایرت دارد. با این حال، کمیسیون در صورت موقتی بودن تغییر اساسی اوضاع و احوال، امکان تعلیق معاهدات را تأیید می‌کند.^{۱۱} به منظور بررسی آثار تغییر بنیادین اوضاع و احوال باید به مدت زمان معاهده « توجه داشت.

زیرا تغییر به خودی خود منجر به خاتمه معاهدات نمی‌شود، بلکه باید از سوی کشور متأثر مورد استناد قرار گیرد، همچنین در صورتی که دولتی در زمان بحران کرونا سکوت کرده، معاهده را اجرا کند فقط در صورتی بعد، می‌تواند به قاعده ربوس استناد کند که بتواند ثابت کند آثار این بحران همچنان بر تعهداتش تأثیرگذار است.

¹⁰ Dorr, Oliver, Schmalenbach, Kirsten, op.cit. P.1064. and also Watts, Arthur, the international law commission 1949-1998, volume two: the treaties part II, Oxford University Press, 1999.

¹¹ ILC, Final Draft 1982, Commentary to Art 62.

بحران کرونا و اصلاح و تعدیل معاهدات

در صورتی که بحران کرونا امکان اجرای معاهدات را به شکل موجود غیر ممکن کند، مذاکره مجدد و استفاده از قواعد مرتبط با اصلاح معاهدات مندرج در مواد ۳۹ تا ۴۱ کنوانسیون وین راهکار دیگری است که می توان به آن استناد کرد.^{۱۲} دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه گابچیکو- ناگیماروس اظهار داشت، در صورتی که موضوع یک معاهده رژیم حقوقی خاص باشد طرفین آن نمی توانند به حیات آن معاهده خاتمه دهند. در این گونه موارد اصلاح معاهده بهترین راهکار محسوب می شود و اصولاً خود معاهده امکان لازم برای مذاکره و اصلاح معاهده را در اختیار طرفین آن معاهده قرار میدهد.^{۱۳} ماده ۳۹ کنوانسیون وین قاعده کلی برای اصلاح معاهدات را تعیین کرده است. بر طبق این ماده، در صورت عدم پیش بینی ترتیب دیگری در معاهده، اصلاح با رضایت تمام طرف های آن معاهده امکان پذیر است. بنابراین در صورتی که بحران کرونا، اصلاح معاهده ای را ضروری نماید، طرفین آن معاهده باید بر طبق خود معاهده اقدام کنند، در صورت عدم پیش بینی ترتیبات لازم در معاهده، در صورت رضایت طرفین، باید بر طبق فرایند مقرر در ماده ۴۰ عمل شود. البته در خصوص معاهدات عام، فقط در صورتی امکان اصلاح با تجدید نظر در معاهده وجود دارد که در خود معاهده پیش بینی شده باشد. بر مبنای تفسیر کمیسیون ماده ۳۹ در خصوص اصلاح معاهده^{۱۴} است که باید مورد توافق تمام طرفین معاهده باشد و ماده ۴۱ به جرح و تعدیل اختصاص دارد.^{۱۵} مطابق ماده ۴۱، تعدیل معاهده فقط در روابط متقابل طرفینی که در این خصوص توافق کرده اند، قابل اعمال است. در واقع جرح و تعدیل بر حقوق و تعهدات سایر دولتهای عضو که آن را نپذیرفته باشند، تأثیری نخواهد داشت در صورتی که امکان الحاق تمامی دولت ها به معاهده تعدیل شده پذیرفته شود، با پیوستن تمام دولتها، معاهده اصلاح شده محسوب می شود.^{۱۶} تمایز میان اصلاح و جرح و تعدیل معاهده مبتنی بر اهداف اولیه دولت هاست. این رهیافت که یک معاهده فقط با توافق تمام طرفین آن می تواند اصلاح شود، از دو اصل مطروحه در کنوانسیون وین پیروی می کند: اصل وفای به عهد (ماده ۲۶) و این قاعده کلی که هیچ کشوری ملزم به رعایت پیمانی بر خلاف اراده خود نیست (ماده ۳۴).^{۱۷} بر این اساس، عمل یک جانبه دولتها برای اصلاح معاهدات بی اثر است. دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه حق شرط بر کنوانسیون ژنوساید اظهار داشت که دولتهای عضو یک معاهده نمی توانند از طریق تصمیمات یکجانبه با توافق های خاص، موضوع و هدف معاهده را مختل یا تضعیف کنند.^{۱۸}

به این ترتیب، اصلاح به معنای توافق رسمی میان دولت های عضو برای تغییر مفاد یک پیمان درباره همه آنهاست، جرح و تعدیل معاهده نیز در جایی اعمال می شود که تعداد اعضای یک معاهده زیاد بوده و امکان حصول توافق سخت باشد. لذا برخی از دولتها مواد معاهده را در روابط میان خود تعدیل می کنند. اصلاح و تعدیل در معاهداتی موضوعیت دارند که ویژگی پایدار داشته و در معاهده منع نشده باشند. همچنین در صورتی که اصلاح و تعدیل معاهده مغایر با اجرای مؤثر موضوع و هدف معاهده باشد، پذیرفته نیست^{۱۹} تمایل به اصلاح یا تعدیل معاهدات از سوی دولت ها به دلایل ناشی از بحران کرونا باید با حسن نیت اعمال شود.^{۲۰} در این خصوص باید به موضوع و هدف معاهده نیز توجه شود. به طور مثال، درباره اصلاح معاهدات مرتبط با

¹² Laurence R Helfer, Terminating Treaties, in The Oxford Guide to Treaties, Duncan Hollis ed., Oxford University Press, 2012, p.649.

¹³ ICJ, Gabčíkovo-Nagymaros case, op.cit. Para 103.

¹⁴ Amendment.

¹⁵ Final Draft, Commentary to Art 35, 232 para 3.

¹⁶ Dorr, Oliver, Schmalenbach, Kirsten, op.cit. p. 727.

¹⁷ res inter alios acta.

¹⁸ ICJ Reservations to the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, Advisory Opinion, 1951, ICJ Rep 15, 21.

¹⁹ Dorr, Oliver, Schmalenbach, Kirsten, op.cit, pp.706, 724.

²⁰ Final Draft, Commentary to Art 36, 233 para 9.

سلامت و بهداشت، باید دقت شود که اصلاح این معاهدات با هدف اجرای استانداردهایی بالاتر از آنچه که در معاهده اصلی است و مطابق با هدف معاهده، صورت پذیرد.

تأثیر بحران کرونا بر تعهدات ثانویه ناشی از عدم اجرای معاهدات

ماده ۶۱ کنوانسیون وین امکان خاتمه یا کناره گیری از تعهدات اولیه معاهده را می دهد و از ابتدا مانع تحقق نقض تعهد معاهداتی می شود. اما عوامل رافع مسئولیت، آثار نقض تعهد ناشی از معاهده را از بین می برد؛ یعنی مانع از ایجاد تعهد ثانویه برای جبران خسارت می شود.^{۲۱} ماده ۶۱ کنوانسیون وین، امکان خاتمه یا تعلیق معاهده را محدود به دولتهای ناتوان^{۲۲} می کند. لذا در مورد سایر دولت ها استناد به این ماده به منظور خاتمه یا تعلیق یک معاهده میتواند مسئولیت آن دولت را به همراه داشته باشد. البته امکان استناد به عوامل رافع مسئولیت از جمله فورس ماژور در خصوص دولت نقض کننده معاهده نیز وجود دارد.^{۲۳} ماده ۶۱ باید به گونه ای عبارت پرداز می شود که فقط در صورت عدم امکان اجرای معاهده از سوی یک دولت، امکان استناد به معاذیر معافیت را به آن دولت اعطا می کرد. در اصلاحیه پیشنهادی دولت مکزیک به کنفرانس وین این مسئله مورد توجه قرار گرفت، البته مشروط بر اینکه فورس ماژور منجر به عدم امکان اجرای دائمی تعهدات معاهداتی آن دولت شده باشد. در عمل، بر مبنای قسمت اول ماده ۶۱ دول عضو یک معاهده می توانند هم به عدم امکان اجرای معاهده از سوی خود و هم از سوی دیگر دولت های عضو استناد کنند. این رهیافت در معاهدات دوجانبه به طور قطع و در معاهدات چند جانبه بین دولت هایی که قادر به اجرای معاهده هستند و دولتهای ناتوان، قابل استناد است بنابراین، یک دولت توانمند می تواند به فقدان توانایی دولت دیگر برای عدم امکان اجرای معاهده به عنوان دلیلی بر نقض تعهد استناد کند، حتی اگر آسیب مستقیمی به آن دولت وارد نشده باشد. زیرا بر مبنای ماده ۴۲ طرح مسئولیت بین المللی دولت، برای احراز تخلف بین المللی دولتی که تعهدات معاهداتی خود را اجرا نمی کند، لازم نیست که سایر دولتهای عضو معاهده نیز آسیب دیده باشند^{۲۴}، اگر یکی از دول عضو معاهده با نقض یک تعهد عام الشمول در آن معاهده سبب عدم اجرای معاهده شود، بر مبنای قسمت دوم ماده ۶۱ این دولت نمی تواند به عدم امکان اجرای معاهده برای خاتمه یا تعلیق معاهده استناد کند. این در حالی است که سایر دولتهای عضو این امکان را بر مبنای بند ۱ ماده ۶۱ خواهند داشت. در این خصوص، مسئولیت دولت تناقض تعهد عام الشمول قابل احراز است، حتی اگر خسارتی به سایر دولتها وارد نشده باشد. به این ترتیب، در جایی که دولت نتواند معاهده را به استناد ماده ۶۱ خاتمه دهد یا معلق کند، می تواند با تکیه بر موارد فوق به عوامل رافع مسئولیت استناد کند.

بحث و نتیجه گیری

از اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی، نوع خاصی از کرونا ویروس، تحت عنوان کووید ۱۹ در کشور چین مشاهده گردید که با شیوع گسترده در اندک زمانی تا اوایل سال ۲۰۲۰ میلادی اکثر کشورهای دنیا را درگیر نمود؛ بیماری مزبور سبب شد حوزه های مختلفی به چالش کشیده شوند و بسیاری از فعالیتهای عادی جامعه به حالت تعلیق یا تعطیل درآیند. از جمله حوزه های متأثر از این بیماری، قراردادهایی بودند که انعقاد آنها به پیش از ظهور و شیوع این بیماری باز می گردد؛ قراردادهای مورد بحث به لحاظ شیوع این بیماری با مانعی برای اجرا رو به رو گشتند و متعهدین قراردادی در اجرای قرارداد به مشکل خوردند؛ گاه

²¹ Dorr, Oliver, Schmalenbach, Kirsten, op.cit, p.1062.

²² Incapable.

²³ United Nations conference on the law of treaties, Cf A/CONF/.39/C.1/L.330, UNCLOT III, 182-183 para 531.

²⁴ injured State

قراردادهای مزبور به طور کلی اجرا نشدند و گاه اجرا با نقصان با تأخیر همراه بود، عدم اجرای تعهدات قراردادی «ناشی از شیوع کرونا سبب مطرح شدن اختلافاتی در حوزه حقوق قراردادهای می گردد و نیازمند تعیین تکلیف حقوقی است چنانچه عدم اجرای مذکور غیر موجه تلقی گردد، بحث مسئولیت مدنی قراردادی و طرق جبران خسارت مربوطه باز خواهد شد و در صورتی که این عدم اجرا موجه باشد، نوبت به فتح باب مسئولیت مدنی در معنی خاص و گسترده آن نمی رسد. گسترش سریع ویروس کرونا و میزان بالای مرگ و میر ناشی از آن، صدمات جدی و گسترده ای را به مردم و دولتها وارد کرده است. هر چند مهار بخشی از آثار این ویروس خارج از کنترل دولت هاست، تمام دولتها فارغ از اینکه منشأ شیوع ویروس در داخل سرزمین آنها بوده است یا خیر، به انجام اقدامات مقتضی، یعنی بیشترین تلاش برای جلوگیری از شیوع و گسترش این ویروس در کشور خود و سایر کشورها متعهدند. این اقدامات که برای مهار و کنترل بحران کرونا به کار گرفته شده است، بر سایر تعهدات بین‌المللی دولت‌ها تأثیر گذار بوده و منجر به نقض برخی از تعهدات معاهداتی آنها خصوصاً معاهدات حقوق بشری، سرمایه گذاری، حمل و نقل بین‌المللی و گردشگری شده است. بر مبنای ماده ۶۱ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹، هر طرف معاهده می تواند به عدم امکان اجرای معاهده به‌عنوان مبنایی برای خاتمه یا کناره گیری از آن استناد کند، مشروط بر آنکه عدم امکان اجرای معاهده ناشی از محو دائمی موضوعی باشد که برای اجرای معاهده ضروری است. در این خصوص عدم امکان اجرای مطلق و ماهوی معاهدات مدنظر است. چنانچه عدم امکان اجرای معاهده موقتی باشد، می توان به تعلیق اجرای معاهده استناد کرد

آنچه مسلم است، این ادعا که شیوع ویروس کرونا به طور کلی مانع از اجرای تعهدات معاهداتی دولت‌ها می‌شود، قابل قبول نیست و در این زمینه نمی توان بدون توجه به نوع، موضوع و هدف معاهده رهیافتی عام ارائه کرد. در واقع تأثیر بحران کرونا بر عدم امکان اجرای معاهدات یکسان نیست، به طور مثال، در خصوص معاهدات عام و قانون ساز، همانند معاهدات حقوق بشری، نمی توان بحران کرونا را مبنایی بر عدم امکان اجرای مطلق معاهدات، خاتمه و کناره گیری از آن معاهده قرار داد. در خصوص معاهداتی همانند معاهدات سرمایه گذاری که منابع مالی برای آن ضروری است، نیز امکان خاتمه و کناره گیری قابل قبول به نظر نمی رسد. زیرا با توجه به رویکرد کمیسیون حقوق بین الملل، در صورتی که وجود منابع مالی برای اجرای یک معاهده ضروری باشد و یکی از دولتهای طرف آن معاهده به دلیل وقوع یک حادثه با فاجعه طبیعی فاقد منابع مالی لازم شود، عدم امکان اجرای مطلق حاصل نخواهد شد

با عنایت به اینکه شیوع بیماری کرونا، برای کلیه متعهدین قراردادی امری خارجی، غیر قابل پیش بینی و غیر قابل کنترل است، به نظر می رسد باید آن را نوعی مانع و عذر موجه قلمداد نماییم، از میان موانع و معاذیر موجه اجرای تعهدات قراردادی، با لحاظ این موارد که اولاً وضعیت ناشی از شیوع بیماری کرونا با تحمیل هزینه مضاعف (در معنای عام) بر متعهد، اجرای تعهدات قراردادی را بسیار دشوار و نه غیر ممکن می نماید؛ ثانیاً، با ایجاد فشار اقتصادی به متعهد قراردادی، توازن و تعادل مالی موجود در بازار را بر هم می زند؛ ثالثاً، در کیس های قضایی مشابه نشان میدهد شیوع بیماریهای واگیردار از مصادیق تعسر و دشواری مفرط به حساب آمده است و رابعاً، در مصادیق مشکوک، اصل استحکام معاملات حکم به انتخاب مواردی میدهد که بقای قرارداد را تضمین نماید و این امر در مورد تعذر در بسیاری از نظام های حقوقی مشاهده میشود؛ حال آنکه تعذر غالباً منتهی به انحلال قرارداد می گردد، لذا استدلال اولیه در حالت عادی و طبیعی از آن حمایت می کنند که وضعیت ناشی از شیوع کرونا در مسیر اجرای تعهدات قراردادی را نوعی تعسر یا هاردشیپ تلقی نماییم. بدیهی است، استدلال مذکور می تواند در مواردی که برخی قیود و شرایط خاص و قابل ملاحظه به قرارداد اضافه می‌شود، نتیجه ای متفاوت را ارائه نماید.

سیستمهای مختلف حقوقی، در حوادث غیر مترقبه، در روابط قراردادی و غیر قراردادی، برای حل معضلات مردم به شیوه های جدید (تعدیل قراردادی یا قضایی با تعدیل داوری) یا انحلال و انفساخ قرارداد با رعایت اصول اقتصادی و توازن قانونی حقوق و تعهدات طرفین به نحوی که تعهد جدید با ریسک اولیه مورد قبول طرفین متوازن شده باشد، روی آورده اند. در این راستا، حقوق قراردادی با روابط شبه قراردادی تعدیل شده خواهان ها و خواندگان، باید موازنه داشته و با اصول هزینه منفعت و کارایی اقتصادی هماهنگ باشد. قوانین جدید کشورهای جهان سوم برای حل این مشکلات در قانون گذاری گوی سبقت را از کشورهایی که برای رفع مشکلات به نظرات قدیمی گذشتگان خارجی دلخوش کرده اند، ربوده اند. حقوق دانان کشورهای نوع دوم، باید امید خود را از قوانین موضوعه تا تغییر اوضاع و احوال و شرایط، کاملاً قطع نمایند. آنها نباید مراجعین را برای قضاوت به دادگاه ها ارجاع دهند و گرنه با اجبار دادگاه ها به اجرای قانون، هر دو طرف دعوا را خسیر الدنيا و الآخره خواهند یافت. روی آوردن به اصل قرآنی الصلح خیر و عدم مراجعه به مراجع قضایی می تواند تا وضع قوانین مقبول جهان خردگرا برای رفع مشکلات قانونی راهگشا باشد، توسل به قواعد فورس ماژور، تغییر اوضاع و احوال، اصول و مبانی قراردادی اجبار به انجام عین تعهد، در مواردی که تعهد و زمان به نحو تعدد مطلوب مورد توافق اصحاب دعوا بوده، یا فسخ و انفساخ قانونی یا قراردادی بدون موازنه اقتصادی و رعایت اصول و مبانی هزینه و منفعت اقتصادی وضع طرفین را مطلوب نخواهد کرد. بی دلیل نباید قضاوت را در دید مردم، به ویژه بازرگانان، عدالت جلوه داد.

پیشنهادها

از این رو پیشنهاد می شود، برای تعدیل قراردادهایی که قابلیت ابقا دارند، در شرایط حدوث فجایع یا وقایع غیرمترقبه باید به اقتصاد و موازنه اقتصادی حقوق و تعهدات طرفین اختلاف در مراجع قانونی (قضایی، داوری، میانجیگری و مصالحه قراردادی) اولویت داد تا هرچه بیشتر توازن و تعادل قدیم قراردادی حفظ و قراردادهای بیشتری ابقا و اجرا شوند و در امور غیر قراردادی نیز عدالت نسبی اقتصادی محفوظ بماند.

ابتلاء به کرونا یا شیوع آن مانعی در انعقاد قرارداد جدید ایجاد نمی نماید با این همه توصیه اکید در مورد قراردادهایی که در این دوران منعقد می شوند و رابطهای مستمر بین طرفین را ایجاد می نمایند، تعیین تکلیف تعهدات قراردادی در فرضی است که تداوم رواج کرونا مانع از اجرای قرارداد خواهد شد. به عنوان مثال در صورتی که موضوع قرارداد تأمین تجهیزاتی صنعتی به شکل متناوب و برای شش ماهه اول سال جاری است، مناسب است طرفین در مورد تکلیف تعهدات قراردادی در فرض تداوم کرونا، وضعیت مبالغ پرداخت شده در دوران تعلیق اجرای قرارداد و امکان جایگزینی شرایط قرارداد در قالب شرط مذاکره مجدد در متن قرارداد توافق نمایند. اصولاً توافق طرفین مادامی که خلاف ضوابط امره قانونی نباشد از نظر حقوقی الزام آور بوده و می تواند ابهامات حاصل از شیوع بیماری و اثر آن در قرارداد را کاهش دهد.

موضوع مهم دیگر تأثیر همه گیری بیماری در اجرای قراردادهایی است که در گذشته منعقد شده و کرونا صعوبتهایی در اجرای آن به وجود آورده است. در مورد عقود که شیوع کرونا می تواند موجب ایجاد تعویق در اجرای قرارداد شود، طرفین قادر به توافق در پایان دادن قرارداد و یا انحلال قرارداد سابق و جایگزین کردن آن با قرارداد جدید خواهند بود. این اقدام که در حقوق «اقاله» نامیده می شود نیازمند توافق و تراضی طرفین است و حتی می تواند در مورد جز یا شرطی از عقد نیز محقق گردد. (مواد ۲۸۳، ۲۸۴ و ۲۸۵ قانون مدنی) نظر به اینکه طرفین با توافق و تراضی قادر به تصمیم گیری در مورد تمام اختلافات قراردادی فیما بین هستند، این راهکار دارای مزیت عملی فراوانی است.

الزام به افشای اطلاعات: وجود بیماری کرونا می‌تواند جز اسرار شخصی فرد قلمداد شده و بر این اساس افشای آن می‌تواند به نقض ضوابط «حقوق حفظ اسرار» بیانجامد. اما با توجه به اهمیت حفظ سلامت عمومی و نظر به دستورالعمل صریح ریاست جمهوری افشای اطلاعات مربوط به وجود این بیماری ضروری بوده و عدم اطلاع رسانی متناسب در این زمینه به ارتکاب جرم خواهد انجامید. ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «اطباء و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هر گاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند». با توجه به مراتب فوق افشای اطلاعات مربوط به ابتلای اشخاص به کرونا در راستای جلوگیری از زنجیره شیوع، الزامی و از مصادیق وجود مجوز قانونی افشای اسرار است.

منابع

کتاب:

۱. احمدی، حسین علی (۱۳۷۵). اجرای تعهد قرار دادی، چاپ اول، تهران: انتشارات برهمند
۲. احمدی، حسین علی (۱۳۷۵). اجرای تعهد قراردادی، چاپ اول، تهران: انتشارات برهمند.
۳. امامی، سید حسن (۱۳۷۸). حقوق مدنی، جلد اول، چاپ بیستم، تهران: انتشارات اسلامیه.
۴. امامی، سید حسن (۱۳۷۸). حقوق مدنی، جلد اول، چاپ بیستم، تهران: انتشارات اسلامیه
۵. جعفری لنگردی، محمد جعفر (۱۳۴۹). حقوق مدنی (رهن و صلح)، تهران: انتشارات ابن سینا
۶. جعفری لنگردی، محمد جعفر (۱۳۵۸). دانشنامه حقوقی، جلد ۵، تهران: نشر امیر کبیر
۷. جعفری لنگردی، محمد جعفر (۱۳۷۵). دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت جلد اول، تهران: نشر بنیاد راستاد، مشعل آزادی-
۸. جعفری لنگردی، محمد جعفر (۱۳۷۸). ترمینولوژی حقوقی، چاپ ۱۰، تهران: انتشارات گنج
۹. جعفری لنگردی، محمد جعفر (۱۳۷۹). محشای قانون مدنی. تهران: کتابخانه گنج دانش
۱۰. جعفری لنگردی، محمد جعفر (۱۳۸۰). حقوق تعهدات. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۱۱. جعفری لنگردی، محمد جعفر (۱۳۸۱). فلسفه عمومی حقوق بر پایه اصالت عمل (تئوری موازنه) تهران: انتشارات گنج دانش
۱۲. جعفری لنگردی، محمد جعفر (۱۳۷۸). ترمینولوژی حقوقی، چاپ دهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۳. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۴). تفسیری بر حقوق بیع بین‌المللی، ترجمه مهراب داراب پوره جلد ۲، تهران: انتشارات گنج دانش-
۱۴. دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵). فرهنگ لغت دهخدا، جلد پنجم، تهران: چاپخانه مجلس.
۱۵. دهخدا، علی اکبر (۱۳۲۵). فرهنگ لغت دهخدا، جلد پنجم، تهران: چاپخانه مجلس
۱۶. شمس، عبد الله. (۱۳۷۸). آیین دادرسی مدنی، جلد ۱، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات دراک
۱۷. شهیدی، مهدی (۱۳۷۷). سقوط تعهدات. تهران: نشر میزان
۱۸. شهیدی، مهدی (۱۳۸۸). حقوق مدنی ۶، چ، ۱۱ تهران مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۱۹. شهیدی، مهدی. (۱۳۸۴). آثار قراردادهای و تعهدات. تهران: انتشارات مجد

۲۰. شهیدی، مهدی. (۱۳۸۵). اصول قراردادهای و تعهدات، جلد ۲، چاپ سوم، تهران: انتشارات مجد
۲۱. صفایی، سید حسین (۱۳۵۵). مبانی و ضوابط جدید در حقوق مدنی، تهران، مرکز تحقیقات
۲۲. صفایی، سید حسین و دیگران (۱۳۸۴). حقوق بیع بین‌المللی با مطالعه تطبیقی، چ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. عبده بروجردی، محمد (۱۳۸۰). حقوق مدنی، تهران: انتشارات طه
۲۴. عدل، سید مصطفی (۱۳۴۲). حقوق مدنی، چاپ اول، قزوین: انتشارات طه
۲۵. عمید، حسن (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی عمید، چاپ هجدهم تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۶. عمید، حسن، (۱۳۶۲). فرهنگ فارسی عمید، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات امیر کبیر
۲۷. قانون مدنی فرانسه، (۱۳۸۱). ترجمه محمد علی نوری، تهران: کتابخانه گنج دانش، مجمع علمی و فرهنگی مجد
۲۸. قاسم زاده، سید مرتضی (۱۳۸۷). "اصول قراردادهای و تعهدات" تهران: انتشارات دادگستر، چاپ نهم .
۲۹. کاتوزیان ناصر (۱۳۷۸). حقوق مدنی (عقود معین)، جلد یک، چاپ هفتم، تهران گنج دانش.
۳۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳). قواعد عمومی قرار دادها، جلد ۴، تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
۳۱. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸). قانون مدنی در نظم حقوق کنونی جاب بیستم، تهران: نشر میزان
۳۲. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸). حقوق مدنی (عقود معین)، جلد ۱، ج ۷، تهران، گنج دانش
۳۳. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۴). قواعد عمومی قراردادهای، جلد د. تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
۳۴. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۶). نظریه عمومی تعهدات چاپ چهارم، تهران: نشر میزان
۳۵. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). دوره مقدماتی حقوق مدنی (اعمال حقوقی)، تهران: شرکت سهامی انتشار
۳۶. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). مسئولیت مدنی الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)، جلد ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۳۷. متین دفتری، احمد (۱۳۸۱). آیین دادرسی مدنی، جلد ۲، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۳۸. محقق داماد، سید مصطفی و دیگران (۱۳۸۹). حقوق قراردادهای در فقه امامیه، فم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری سمت
۳۹. محقق داماد، سید مصطفی و دیگران (۱۳۸۹). حقوق قراردادها در فقه امامیه قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری سمت.
۴۰. مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۳). حقوق مدنی، جلد ۲، چاپ اول، تهران: انتشارات پایدار
۴۱. معین، محمد (۱۳۸۴). فرهنگ فارسی معین، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیر کبیر.

مقالات:

۴۲. ابوعطا، محمد و عطیه شمس (۱۳۹۱). «تحلیل مبنا و ماهیت حقوقی ارش»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره پنجم ، صص ۹-۲۵.
۴۳. اندرزه داوود (۱۳۸۹). «تعلیق اجرای تعهد به واسطه نقض احتمالی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»، فصلنامه حقوق ، شماره سوم، صص ۱۷-۳۹
۴۴. بافری، احمد و سید محمد صادق طباطبایی (۱۳۸۴). «حق حبس»، تشریح الهیات و معارف اسلامی، ش ۶۷ ص ۸۱-

۴۵. بهنام، محمد (۱۳۹۵). شرط فورس ماژور در قراردادهای تجاری بین‌المللی با تاکید بر قراردادهای نفتی، اولین همایش حقوق و امور مدنی.
۴۶. بیگ زاده، سفر و علی رضا باریکلو (۱۳۹۰). «ختیار تقلیل ثمن (مطالعه تطبیقی در کنوانسیون بیع بین‌المللی، فقه امامیه و حقوق ایران)، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره پانزدهم، شماره سوم، صص ۵۷ - ۶»
۴۷. پارساپور، محمدباقر. ذاکری نیا، حانیه (۱۳۹۴). «اقسام، احکام و آثار معاذیر عدم اجرای قرارداد مطالعه تطبیقی در نظام حقوقی ایران» رومی ژرمنی، کامن لا و برخی اسناد بین‌المللی، مدرس علوم انسانی، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۲.
۴۸. تفرشی، محمد عیسی و دیگران (۱۳۸۷). «تأثیر اجرای جزئی یا ناقص تعهد بر حق حبس با مطالعه تطبیقی در حقوق برخی کشورهای اروپایی، پژوهش‌های حقوق تطبیقی»، دوره دوازدهم، شماره ۳ صص ۹۳-۱۱۲
۴۹. تورانی مقدم، سید یونس (۱۳۸۷). جبار به ایتای عین تعیده، مجله پژوهش علوم انسانی، شماره ۲۳، ۲۴۹-۲۲۲
۵۰. تولیت، سید عباس (۱۳۸۸). «آثار شروط راجع به کمیت ورد معامله» فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی. شماره ۴۶، ۴۷، صص ۲۵-۴۶.
۵۱. تولیت، سید عباس (۱۳۸۸). آثار شروط راجع به کمیت مورد معامله»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۴۷، ۴۶، صص ۲۵-۴۶
۵۲. حسین آبادی، امیر (۱۳۸۱). بررسی وجه التزام مندرج در قراردادها»، مجله آموزه‌های فقهی شماره ۶، ص
۵۳. خوانی، جواد؛ فولادوند، شهرام؛ راحتی آسیابر، حمید (۱۳۹۸). فورس ماژور در قراردادها و حقوق بین‌الملل، نشریه علمی، پژوهشی و فناوری البرز، دوره: ۵، شماره: ۱۷.
۵۴. داراب پور، مهدی (۱۳۷۹). ارزیابی تطبیقی ایفای عین تعرید « مجله تحقیقات حقوقی شماره ۲۹، ۳۰، صص ۱۸۹-۲۲۸
۵۵. داراب پور، مهرباب؛ داراب پور، مریم (۱۳۹۹). ضمان ناشی از ویروس کرونا و تأثیر حدوث آن بر قراردادهای تجاری داخلی و بین‌المللی، نشریه دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۲۳.
۵۶. ساعتچی، علی، نیازآبادی، مهدی (۱۳۹۳). تحلیل تطبیقی هاردشیپ در حقوق قراردادها با تأکید بر رویکرد اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، مجله پژوهش‌های حقوق خصوصی، شماره ۴.
۵۷. ساعی، سید محمد هادی (۱۳۸۳). « حق حبس، بررسی کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص قرار دادهای بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران». مجله معرفت، شماره ۸۲ صص ۸۲-۹۱
۵۸. سید مرتضی حسینی، راحله (۱۳۹۹). بحران کرونا و عدم امکان اجرای معاهدات بین‌المللی از سوی دولت‌ها، وبژ نامه دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۲۳.
۵۹. صفایی، سید حسین و جلال سلطان احمدی (۱۳۸۹). «تجزیه پذیری قرار داد در حقوق ایران انگلیس و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱۰۱، صص ۲۳-۲۰.
۶۰. صفایی، سید حسین و نعمت‌الله الفت (۱۳۷۹). « اجرای اجباری عین تعهد و تقدم آن بر حق فسخ»، مجله نامه مفید، شماره ۷۹، صص ۶۲۴۳
۶۱. عسگری، سامان. احتشامی، هادی (۱۳۹۵). «مقایسه نظریه عقیم شدن قرارداد با نظریات قوه قاهره» تغییر اوضاع و احوال و دشواری اجرای قرارداد، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۱۴.
۶۲. قاسمی، محسن (۱۳۸۴). «جبران خسارت نقض قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا حقوق ایران و فرانسه مصر و لبنان، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۲، صص ۱۳۹-۲۲۰
۶۳. قربان ونک، محمد باق (۱۳۸۴) «تحلیل موقعیت وجه التزام در قراردادها»، ماهنامه کانون وکلا، ش ۱۸۸ و ۱۸۹.

۶۴. قنواتی، جلیل؛ فتحی، بدیع (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی تأثیر ویروس کووید ۱۹ بر تعهدات، نشریه حقوق اسلامی، دوره ۱۷، شماره ۶۴.
۶۵. میرزا نژاد جویباری، اکبر (۱۳۸۲). «فسخ جزئی یا تجربه قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین و حقوق ایران، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۲۹، ص ۲۸۵-۳۳۰».
۶۶. میرزانژاد جویباری، اکبر (۱۳۸۲). «فسخ جزئی یا تجزیه قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا ۱۹۸۰ وین و حقوق ایران» دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی شماره ۲۹، صص ۲۸۵-۳۳۰.
۶۷. نصیری، مرتضی و دیگران (۱۳۸۴). مطالعه تطبیقی حق تعلیق و حق حبس در حقوق داخلی و قرارداد نمونه فیدیک فصلنامه مدرس، شماره ۴۱، ص ۲۲۳-۲۴۹.
۶۸. نیاز آبادی، مهدی؛ انصاری، نرگس (۱۳۹۹). تحلیل وضعیت ناشی از شیوع ویروس کرونا ذیل معاذیر موجه عدم اجرای تعهدات قراردادی، ویژه نامه دانشگاه شهید بهشتی، دوره ۲۳.
۶۹. وحیدی، امیر حسین (۱۳۸۵). «تعدیل وجه التزام در قراردادهای الحاقی»، ماهنامه کانون، شماره دو مص ۸۳-۶۴.

پایان نامه ها:

۷۰. اصغری اقامشدهدی، فخر الدین (۱۳۸۱). «خسارت ناشی از عدم مطابقت کالا (مطالعه تطبیقی در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران» رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس،
۷۱. پارساپور، محمد باقر (۱۳۸۶). «نظریه عمومی حق حبس در تعهدات متقابل (با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و انگلیس)»، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس
۷۲. دلبر، کتایون (۱۳۶۹). «مطابقت کالا با قرارداد در بیع بین‌المللی» پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۷۳. ربیعی، مهدی (۱۳۸۹). «مطالعه تطبیقی قاعده تقلیل ثمن در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
۷۴. سلطان احمدی، جلال (۱۳۸۸). تجربه پذیری قرار داد در حقوق ایران، انگلیس و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (۱۹۸۰) رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس
۷۵. شاهرخی، یوسف (۱۳۸۷). «جبران خسارت ناشی از نقض قرار داد توسط فروشنده در قانون مدنی و کنوانسیون بیع بین‌المللی»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس
۷۶. شریف، علی (۱۳۷۵). رهن ثالث»، رساله دکتری حقوق خصوصی و دانشگاه تربیت مدرس
۷۷. شعبانی، قاسم (۱۳۷۹). شعبانی، قاسم. «تعیین قرار دادی خسارت عدم انجام تعهد در حقوق ایران، آمریکا و انگلیس، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس
۷۸. کیانی، عبدالله (۱۳۷۳). التزامات بایع و مشتری قبل و بعد از تسلیم مورد «معامله»، رساله دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.

منابع عربی:

۷۹. آل کاشف الغطا، محمد حسین (۱۴۲۲). تحریر المجله جلد دوم، چاپ اول قم: المجمع العالمی لتقریب بین المذاهب الاسلامیه.

۸۰. حلی، محمد بن الحسن بن یوسف بن مطهر حلی (فخر المحققین) (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد جلد اول قم: موسسه اسماعیلیان
۸۱. طوسی محمد بن الحسن (شیخ طوسی) (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه جلد ۲ تهران: المكتبه المرتضویه
۸۲. موسوی خمینی، روح الله (۱۴۱۰). البیع قم: موسسه اسماعیلیان

قوانین و مقررات:

۸۳. قانون مدنی
۸۴. قانون تجارت
۸۵. قانون مجازات اسلامی
۸۶. قانون آیین دادرسی مدنی
۸۷. قانون تامین اجتماعی
۸۸. قانون کار
۸۹. کنوانسیون بیع بین المللی کالا

منابع غیر فارسی:

90. Campbell, Henry Black 2004, Black's Law Dictionary. 8edition. Thomson West
91. Publishing. 2- Elizabet. A. Martin 2001. Oxford, A Dictionary of Law 5 edition.
92. OxfordEnderlein, Fritz & Maskow Dietrich, 1992. International Sales Law United Nations
93. Convention On Contracts For the International Sale of Goods, Oceana, Publication,
94. Journal of Contract Law, North Ryde NSW.
95. G.Guest.Ansons. 1984. Law of contract.26 edition.Clarendon press Oxford 5- onnold, ohn.0.1991. Uniform Law for International Sales under the 1980 United nations Convention, second edition, Kluwer Law & Taxation.
96. Schelechtriem. p. 1998. Commentary on the UN Convention on the international
97. sales of Goods, second edition, Oxford University Press.
98. Treitel, Guenter, 1999, The Law of Contract, 10
99. edition. London, Sweet & Maxwell.
- 100.. UNCITRAL,2012. Digest of Case Law on the United Nations Convention on
- 101.Contracts for the International Sale of Goods
- 102.. The Principles of international commercial contracts UNIDROIT)
- 103.Un Vonvention on Contract for thr International Sale of Good 1980.
- 104.University Press..